

بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر

داریوش رضاپور^۱

تاریخ وصول: ۹۵/۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۳

چکیده:

این پژوهش کمی، با هدف بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر انجام شده است. داده‌های این پژوهش به روش پیمایشی و شیوه‌ی گردآوری آنها استفاده از پرسشنامه بوده است. جامعه‌ی آماری پژوهش تمام دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر بوشهر بوده که با استفاده از جدول لین تعداد ۴۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شدند. نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی طبقه‌ای چند مرحله‌ای، بوده است. روایی و اعتبار به کمک آلفای کرونباخ و اعتبار صوری حاصل گردید و همچنین برای تحلیل نتایج داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته یعنی میزان گرایش دانش‌آموزان به خشونت کلامی و متغیرهای مستقل جامعه‌پذیری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نظارت والدین، همبستگی وجود دارد. این متغیرها تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در این حوزه‌ی پژوهشی می‌باشند.

مفاهیم کلیدی: خشونت کلامی، دانش‌آموزان، جامعه‌پذیری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، شهر بوشهر

^۱ عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور، تهران d.rezapour@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

خشونت از جمله مسائل اجتماعی است که در تمام مناطق جغرافیایی و در میان تمام گروه‌های دینی، نژادی و در تمامی سطوح تحصیلی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود؛ و آن‌گونه که تصور می‌شود، فقط محدود به خشونت فیزیکی و بدنی نمی‌شود. بسیاری از افراد کتک‌کاری و زخمی کردن یکدیگر و درگیری‌های فیزیکی را به‌عنوان مظهر خشونت معنا می‌کنند، حال آن‌که دامنه‌ی تعریف و وجوه عینی خشونت لایه‌های گسترده‌تری از رفتارهای انسانی را در بر می‌گیرد، که متأثر از عوامل بیرونی و درونی است. آلپورت^۱ شخصیت و رفتار انسانی را به‌عنوان سامانه‌ای با مورد توجه قرار می‌دهد که عناصر متعددی در تعامل با یکدیگرند. در این سامانه خشونت را می‌توان به مثابه یکی از رفتارهای آدمی مورد مطالعه قرار داد. عناصر این سامانه شامل خصوصیات ارثی، عوامل زیستی و هورمونی، نیروهای روان‌شناختی، و مشخصه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند که با هم در تعامل اند (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۲: ۳).

پژوهش‌ها نشان داده که در تحلیل رفتارهای خشونت‌آمیز، سه دسته از عوامل را باید مدنظر داشت. دسته‌ی اول عوامل درونی یا انگیزشی است، که باعث ایجاد انگیزه و تمایل در فرد شده و او را به سوی رفتار پرخاشگرانه سوق می‌دهد. دسته‌ی دوم عوامل بازدارنده است، حضور این عوامل در شخصیت فرد از بروز خشونت جلوگیری می‌کند. دسته‌ی سوم عوامل موقعیتی و یا محیطی هستند، یعنی رفتار فرد نه تنها تحت تأثیر ذاتیات اوست، بلکه متأثر از موقعیت و شرایطی است که فرد در آن موقعیت قرار می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۷).

از آن جمله انواع خشونت، خشونت کلامی است. این نوع خشونت به هر رفتاری دلالت دارد که می‌تواند موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد جامعه شود، از این‌رو این عمل نه تنها از نظر حقوقی، بلکه از نظر اخلاقی و مذهبی، نیز ناپسند شمرده می‌شود و تعرضی به شخصیت معنوی انسان است و اگر به‌طور شایع از افراد جامعه سر بزنند، به احتمال زیاد زمینه را برای بروز خشونت‌های فیزیکی فراهم می‌کند. مشاهده‌ی یک روز از

^۱ Alport

زندگی دانش‌آموزان در مدرسه در هر یک از مقاطع تحصیلی، در کلاس درس، و به ویژه در حیاط مدرسه که دانش‌آموزان ظاهراً در آنجا به بازی و استراحت و تخلیه‌ی انرژی‌های خود می‌پردازند صحنه‌هایی از خشونت و درگیری میان دانش‌آموزان را آشکار می‌نماید. خشونت‌های که گاه خود را به صورت کلامی، با توهین، تحقیر، تمسخر و لقب دادن و گاه به صورت خشونت‌های جسمانی نشان می‌دهد. با این‌که خشونت کودکان و نوجوانان در مدرسه پدیده‌ی جدیدی نیست و همواره وجود داشته است گزارش‌های رسانه‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف در اکثر کشورهای دنیا از جمله اسمیت و شارپ^۱ (۱۹۹۵)، اولوئوس^۲ (۱۹۹۹)، نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر افزایش یافته و جدی‌تر شده است. اثرات فردی و اجتماعی این خشونت‌ها بر کسی پوشیده نیست. کودکی که به هر علت در محیط آموزشی تحت خشونت‌های کلامی یا فیزیکی قرار گیرد علاوه بر احساس ناامنی و بی‌زاری از مدرسه، که عواقب آن در زندگی تحصیلی او به تدریج خود را صورت افت تحصیلی یا ترک تحصیل آشکار خواهد کرد، اثرات ناگوار این نوع رفتار را در طول زندگی به همراه خواهد داشت؛ به نحوی که او نیز ممکن است بعدها به هنگام تشکیل خانواده یا در مسئولیت‌هایی که بر عهده خواهد گرفت رابطه‌ای ناسالم با دیگران برقرار کرده و چه بسا خشونت را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد.

حال با توجه به مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر، در صدد پاسخ به این سؤال است که متغیرهای اجتماعی - مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر چیست؟

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

بازرگان و همکاران (۱۳۸۲)، در تحقیقی تحت عنوان: بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: به بررسی خشونت کلامی از نظر معلمان و دانش‌آموزان

^۱ Smith and Sharp

^۲ Olweus

مدارس راهنمایی شهر تهران پرداخته است. آزمودنی‌های این پژوهش شامل ۴۹۸ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر و ۴۳ نفر از دبیران زن و مرد است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خشونت کلامی در مدارس شهر تهران شایع است. دانش‌آموزان فضای نامناسب، ارتباطات نامطلوب در مدرسه، و حجم زیاد کتب درسی را باعث خشونت کلامی خود می‌دانند؛ در حالیکه معلمان بیشتر بر عوامل خارج از مدرسه، در ایجاد خشونت دانش‌آموزان، تأکید دارند (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۸-۱).

علمی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان: بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت دانش‌آموزان: که در آن از تئوری‌های روانشناسی اجتماعی و بویژه جامعه‌شناسی استفاده شده است. این تحقیق به صورت پیمایشی و به کمک ابزار پرسشنامه روی ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی شهرستان عجب‌شیر و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سیستماتیک اجرا شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای عدم دلبستگی به والدین، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، بدرفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، داشتن دوستان بزهکار، عدم پایبندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه، سخت‌گیری والدین با خشونت دانش‌آموزان رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری داشتند. تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای بدرفتاری والدین، عدم دلبستگی به والدین، نظارت والدین، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مشارکت گروهی، دوستان بزهکار و پایبندی به دستورات اخلاقی در تبیین میزان خشونت دانش‌آموزان سهم عمده‌ای داشته‌اند. مقدار تبیین بدست آمده ۵۱ درصد می‌باشد (علمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴-۱۶۳).

کریمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان: بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده‌ی آن از نظر دانش‌آموزان و معلمان: دامنه‌ی خشونت لایه‌های گسترده‌ای از رفتار انسانی را در بر می‌گیرد. از جمله لایه‌های زیرین خشونت، خشونت کلامی است که شامل توهین، تحقیر، تهمت، غیبت، برچسب زدن و تمسخر می‌باشد. اگر چه همه‌ی مصادیق این نوع خشونت اصطلاحاً جرم نامیده نمی‌شود، ولی زمینه را برای خشونت‌های فیزیکی و کژ رفتاری‌های اجتماعی در روابط بین شخصی، فراهم می‌کند. از این‌رو پژوهش

حاضر به منظور پیشگیری، اقدام به شناسایی انواع خشونت کلامی و عوامل پدید آورنده‌ی آن در بین دانش‌آموزان و معلمان شهر رشت کرده است و از طریق پرسشنامه در مورد ۳۹۰ دانش‌آموز و ۴۷ معلم که با نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به‌دست آمده اجرا شده است. نتایج پژوهش نشان داد که خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان با یکدیگر و معلمان با دانش‌آموزان شایع است. البته خشونت کلامی در مدارس پسرانه و در بین معلمان مرد به طور معناداری از مدارس دخترانه و معلمان زن بیشتر است (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۸۵).

ب) تحقیقات خارجی

لارنز^۱ (۱۹۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان: پرخاشگری؛ چنین آورده است که ژن‌های کودک و خصوصیات ذاتی او از مهم‌ترین عوامل در هدایت رفتارش هستند. از دیدگاه او انگیزه‌ی پرخاشگری از فیزیولوژی اساسی انسان سرچشمه می‌گیرد و رفتار بشر علاوه بر ریشه‌های محیطی منشاء فیزیولوژیکی دارند. وی بر این اعتقاد است که چون نیروهای بازدارنده‌ی درونی در طی تعامل با خانواده رشد می‌یابد، لذا فعالیت‌های معطوف به تعلیم و تربیت کودکان اگر با هدف رشد و پرورش بازدارنده‌ها در مقابل تمایلات پرخاشگرانه باشد می‌تواند به کاهش خشونت کمک کند (لارنز، ۱۹۹۳: ۳۳-۲۲).

حاجت^۲ (۱۹۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان: راه‌های گسترش خشونت: نقش محیط را در ایجاد خشونت مورد تأکید قرار می‌دهد و انگیزه‌ی پرخاشگری را ناشی از وقایعی می‌داند که در زمان فعلی یا تاریخچه‌ی زندگی فرد وقوع یافته و محیط تربیتی تسهیل‌کننده یا بازدارنده‌ی دوران کودکی در شمار عوامل مهمی است که در آن رفتار اجتماعی یا ضد اجتماعی شکل می‌گیرد. وی بی‌توجهی یا عدم دسترسی مداوم فرزند به مادر را نقطه‌ی شروع سفر به سرزمین خشونت در نظر می‌گیرد. او با بحث در مورد روند رویدادهای اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای صنعتی که به از هم گسیختگی خانواده می‌انجامد (مانند طلاق، محروم بودن از پدر، اشتغال مداوم مادر)، استدلال می‌کند که این رویدادها به

^۱ Lorenz

^۲ Hajet

کیفیت رابطه‌ی عاطفی اولیاء و فرزندان خدشه وارد می‌کند و در نتیجه خطر خشونت و پرخاشگری را افزایش می‌دهد (حاجت، ۱۹۹۴: ۱۹۵-۱۷۶).

یون^۱ و همکاران (۲۰۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان: تفاوت شناختی اجتماعی میان کودکان پرخاشگر طرد شده و پرخاشگر رد نشده در سال‌های تحصیلی دوم الی چهارم تحصیلی: یافته‌ها نشان می‌دهد که کودکان خشونت‌طلب از مشکلات و نقائص شناختی - اجتماعی رنج می‌برند؛ اما تفاوت‌هایی نیز در رفتارهای کودکان خشونت‌طلب طرد شده از سوی همسالان و طرد نشده از سوی همسالان مشاهده شده است. بیشترین و مهم‌ترین عواملی که این دو گروه را از کودکان غیر پرخاشگر و غیر طرد شده جدا می‌کرد، اسنادهای خصومت‌آمیز و راه حل‌های خشونت‌آمیز برای حل مسأله بود. به عبارت دیگر، دو گروه اول اسنادهای خصومت‌آمیز و راه حل‌های خشونت‌آمیز را برای حل مسأله‌ی خود بیشتر تجویز می‌کردند. همچنین کودکان خشونت‌طلب غیر طرد شده در مقایسه با کودکان خشونت‌طلب طرد شده خودکارآمدی^۲ بالاتری را نشان داده‌اند (یون و همکاران، ۲۰۰۰: ۵۷۰-۵۵۱).

رویکردهای نظری پژوهش

۱- نظریه فشار

سؤال اصلی در نظریه‌ی فشار این است که چرا افراد کج رفتاری می‌کنند و پاسخ کلی این نظریه به این سؤال این است که عواملی در جامعه برخی افراد را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کج رفتاری می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۴). آلبرت کوهن^۳ مدعی است فرزندان طبقات فردوست که مثل دیگر هم سن و سالان خود از طبقات متوسط جامعه به مدرسه می‌روند و در آنجا با ارزش‌های طبقات متوسط آشنا و طالب منزلت‌های اجتماعی مقبول می‌شوند، در رقابت با همکلاسی‌های طبقات بالاتر خود، در می‌مانند، ناکام و تحقیر می‌شوند و می‌بازند (همان: ۴۵).

^۱ Jina

^۲ self-efficacy

^۳ Albert Cohen

اگنیو معتقد است که ارتکاب جرم فرد نتیجه‌ی مستقیم حالات منفی مؤثر از قبیل عصبانیت، ناکامی، افسردگی، ناامیدی و ترسی است که این عوامل خود نتیجه‌ی شکست در دستیابی به اهداف، گسست بین انتظارات و دستاوردها، حذف محرک مثبت یا خوشایند و وارد کردن یک محرک منفی یا ناخوشایند است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۳۳).

بنابراین با توجه به نظریه‌ی فشار می‌توان گفت پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین والدین دانش‌آموزان، ناکامی، عملکرد تحصیلی پایین در ارتکاب خشونت و رفتارهای خطرناک تأثیر عمده‌ای دارند.

۲- نظریه کنترل اجتماعی

نظریه‌ی کنترل اجتماعی علت اصلی کجرفتاری را نبود کنترل اجتماعی می‌داند. فرض اصلی این است که همچنان که فروید گفته است افراد به‌طور طبیعی تمایل به کجرفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند چنین می‌کنند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷: ۵۱).

این نظریه در تبیین انحرافات اجتماعی این فرض را مطرح می‌کند که رفتار انحرافی عمومی و جهان‌شمول می‌باشد و آن نتیجه‌ی کارکرد ضعیف ساز و کارهای کنترل اجتماعی است. بر این اساس، اگر بخواهیم از تمایلات جرم و بزهکاری جلوگیری شود، می‌بایست همه‌ی افراد اعم از جوان و بزرگسال کنترل شوند. طبق این نظریه عوامل اجتماعی کنترل شامل وابستگی و تعلق به نهاد بنیادین اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و دین می‌شوند که چنین تعلقاتی تحت عنوان عاطفی (مانند میزان تأثیر و تأثر بین فرزند و والدین) و رفتاری (نظیر وضعیت تحصیل فرد و مدرسه) مطرح می‌شوند (عاشوری، ۱۳۸۲: ۷۴).

تراورس هیرشی^۱، علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنان می‌داند. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف یا نبود این پیوند موجب اصلی کجرفتاری است. هیرشی

^۱ Travis Hirschi

چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع کج رفتاری می‌شوند در دل‌بستگی یا تعلق خاطر، تعهد، مشارکت و اعتقاد خلاصه می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲).

۳- نظریه آنومی^۱

نظریه آنومی یا بی‌هنجاری یکی از رایج‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی است. به نظر مرتون، ساخت اجتماعی در مراحل خاص، شرایطی فراهم می‌کند که شکستن قواعد حقوقی، پاسخی طبیعی محسوب می‌شود. او انحراف را ناشی از ناهمخوانی و تضاد بین اهداف فرهنگی و ابزارهای نهادی شده‌ی قانونی می‌داند و بر این اساس، افراد هر جامعه را در دو دسته قرار می‌دهد:

۱- افراد راست‌رفتار یا کسانی که اهداف فرهنگی و ابزارهای نهادی شده را پذیرفته‌اند.

۲- افراد کج‌رفتار یا کسانی که نتوانسته‌اند بین دو عامل فوق همسازی ایجاد کنند.

کج رفتاری دسته‌ی دوم از نظر مرتن شامل چهار نوع است:

۱- نوآوری^۲

۲- مناسک‌گرایی^۳

۳- واپس‌زنی^۴

۴- شورش و طغیان^۵ (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۸۱).

ملاحظه می‌شود که مرتن، ساخت اجتماعی را در ایجاد جرم مؤثر می‌داند و این تأثیرگذاری ساخت را از دریچه‌ی اهدافی که در چنین ساختی نهادی شده می‌بیند. در حالی که امکان دستیابی همگان برای نیل به اهداف موردنظر در این ساخت مقدور نیست. بر این اساس به‌طور مثال پول و پولدار شدن به‌عنوان یک هدف نهادی شده پذیرفته شود و

¹ anomie theory

² innovation

³ ritualism

⁴ retralism

⁵ rebellion

نظام اجتماعی، قادر به ایجاد مشاغل یا راه‌هایی که بتواند افراد را بدان هدف برساند، نباشد، آنومی یا نابسامانی و از هم‌گسیختگی اجتماعی ایجاد می‌شود که در آن صورت باید منتظر هنجارشکنی و انحراف بود. لازم است خاطرنشان شود که تبیین انحرافات اجتماعی در نظریه‌ی مرتن بیش از آنکه متوجه‌ی تمامی افراد جامعه باشد، بیشتر معطوف به گروه‌های فقیر و محروم جامعه است. توضیح اینکه ساخت‌های اجتماعی فشارهای خاصی بر برخی افراد وارد می‌کند و آنها را وا می‌دارد که به کارهایی که از نظر جامعه نیز مجرمانه است اما سبب بقای فرد می‌شود، دست بزنند. در میان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ساخت اجتماعی، مرتون دو عنصر را از لحاظ کثرتاری مهم‌تر می‌شمارد. هرچند این دو در جامعه‌ی واقعی تفکیک‌ناپذیرند، اما به منظور تحلیل، آنها را از هم تفکیک می‌کنیم (بنی‌اسدی، ۱۳۸۳: ۳۵).

علاوه بر مرتون، "ویلیام گود"^۱ مفهوم آنومی را به سطح خانواده تعمیم داده است. از نظر وی، خانواده کانون پرورش شخصیت فرد است و هر گونه اختلال در آن، منجر به پدید آمدن شخصیت بزهکار و منحرف می‌گردد. از نظر وی، خانواده وظایفی را در قبال فرزندان خود بر عهده دارد از جمله:

- تأمین نیازهای جسمی فرزندان.
 - شناخت خود و کشف خویشتن.
 - یادگیری (از طریق جامعه‌پذیری).
 - نقش خانواده به‌عنوان منبع رشد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۷۰).
- به باور گود، اگر اعضای خانواده (بخصوص والدین) نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، در این نهاد، گسیختگی یا آنومی بوجود می‌آید، شرایط آنومیک، ناشی از عوامل مختلفی می‌باشد که به آنها اشاره می‌شود:
- نبود پدر به دلیل عدم مشروعیت کودک، فوت، طلاق، زندانی بودن، جنگ و یا اشتغال بیش از حد.
 - نبود مادر به علت دلایل ذکر شده‌ی فوق.

^۱ Good, W.

- وجود انواع بیماری، نقص عضو اعم از جسمی و روانی در والدین به گونه‌ای که قادر به ایفای نقش خود نباشند (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۹).

وجود روابط ضعیف و غیر عاطفی در میان اعضای خانواده که گود از آن با عنوان "خانواده‌ی توخالی" نام می‌برد، موجب می‌شود تا اعضای خانواده از حمایت یکدیگر محروم باشند. خشونت کلامی را می‌توان مانند اعمال بزهکارانه‌ی دیگر، ناشی از این‌گونه شرایط آنومیک در خانواده‌ها دانست.

۴- نظریه یادگیری اجتماعی

این نظریه بر پایه‌ی این اصل استوار است که انحراف و رفتار انحرافی، عمل یا رفتاری است که در فرایندهای اجتماعی تولید و یاد گرفته می‌شود. بر خلاف صاحب‌نظرانی که عقیده دارند انسان‌ها با انگیزه‌های انحراف و پرخاشگری به دنیا می‌آیند، نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی عقیده دارند که فرد، رفتار انحرافی را همانند دیگر رفتارها در اجتماع از طریق معاشرت با دوستان ناباب یاد می‌گیرد و یک پدیده‌ی اکتسابی است. اندیشمندانی نظیر باندورا^۱، ساترلند^۲ و تارد^۳، نظریه‌ی یادگیری اجتماعی را توسعه دادند. به نظر باندورا، شخص می‌تواند با کمک فرایند الگوسازی و با مشاهده‌ی دیگران، چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری به وسیله‌ی شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون سن، جنس و موقعیت اجتماعی است. فرایند مدل‌سازی در کانون توجه نظریه‌ی یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن شخص، رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله‌ی مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴).

از آنجایی که در نظریه‌ی یادگیری اجتماعی در محیط اجتماعی تأکید شده است، نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی بر نقش گروه‌های همسالان و رسانه‌های همگانی تأکید

¹ Bandura, A.

² Sutherland, E. H.

³ Tarde, G.

بسیار کرده‌اند. پس، خشونت و به‌طور کلی رفتار انحرافی یادگرفتنی است و فرد در معرض اجتماع آن را می‌آموزد.

۵- نظریه همنشینی افتراقی^۱ ساترلند

ادوین ساترلند به مسئله‌ی یادگیری در محیط‌های ناسالم می‌پردازد و به خرده فرهنگ‌های گوناگون در شهر توجه می‌کند. او به مفهومی به نام همنشینی افتراقی می‌پردازد و با آن رفتار انحرافی را بررسی و تبیین می‌کند. ساترلند عقیده دارد که رفتار انحرافی نیز مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی با دیگران آموخته می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۸). وی به عواملی که تأثیرپذیری افراد از این همنشینی را تعیین می‌نمایند، اشاره می‌کند:

۱- اولین عامل، شدت تماس‌هایی است که با دیگران برقرار می‌شود. یک شخص بیشتر از این که به وسیله‌ی آشنایان دور خود که کجرو هم هستند متأثر شود، تحت تأثیر دوستان منحرف و اعضای خانواده‌ی خود قرار می‌گیرد.

۲- دومین عامل، سن شخص به هنگام برقراری ارتباط با دیگران است. تأثیرپذیری از دیگران در ایام کودکی و جوانی بسیار قوی‌تر از سایر دوران زندگی است.

۳- عامل سوم، نسبت تماس با کجروان در مقایسه با تماس با همنوایان است. نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی، حتی پرخاشگری را نیز آموختنی می‌دانند و بر این اعتقاد هستند که دلایل فراوانی می‌توان بیان کرد که پرخاشگری منشأ غریزی و ذاتی ندارد و به همین دلایل از لحاظ اجتماعی هم قابل آموزش و هم قابل پیشگیری است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۸۵-۴۸۰).

به اعتقاد ساترلند، فرایند یادگیری که شامل ارتباط و تعامل است می‌تواند همه‌ی انواع بزهکاری و جرم را تبیین نماید (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۶).

^۱ differential association

چارچوب نظری پژوهش

مطالعه‌ی نظریه‌های مختلف و همچنین گستردگی ابعاد موضوع مورد مطالعه باعث شد که محقق دیدگاه ترکیبی داشته و به صورت تلفیقی از هر یک از نظریه‌های مطرح، مورد خاصی را استخراج کند. برای تبیین زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان، از نظریه‌های جامعه‌شناختی و روانشناسی اجتماعی مربوط به انحرافات، استفاده گردید.

بر اساس نظریه‌ی آنومی، گرایش به رفتارهای ناهنجار، نتیجه‌ی یک ساختار خانوادگی گسسته است که در آن، خانواده وظایف خود را در قبال فرزندان به خوبی انجام نمی‌دهد، به همین دلیل فرد به سوی رفتار خشونت‌آمیز گرایش پیدا می‌کند. نظریه‌ی یادگیری اجتماعی ناظر بر این است که افراد عمدتاً این‌گونه اعمال خرابکارانه را از طریق اجتماع آموزش می‌بینند و طبق نظریه‌ی مشهور همنشینی افتراقی ساترلند، معاشرت با دوستان ناباب و منحرف، منجر به گرایش افراد به این‌گونه رفتارها می‌گردد و در این زمینه، شدت تماس با دیگران و نیز سن افراد در هنگام این تماس‌ها اهمیت دارد، به گونه‌ای که نوجوانان به میزان بیشتری از این معاشرت‌ها تأثیر می‌پذیرند. علاوه بر این در پاسخ به این پرسش که چه عواملی باعث خرابکاری نوجوانان می‌شوند، نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که این نوع رفتارها بستگی به میزان تعلقات و تقیدات جوانان نسبت به نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و بعضاً گروه‌های اجتماعی نظیر گروه‌های همسالان دارد. بر اساس پیش‌فرض‌های این نظریه، علت خرابکاری جوانان، از بین رفتن یا ضعف برخی از نیروهای اجتماعی مهارکننده می‌باشد. بنابراین نوجوانان خرابکار، آنهایی هستند که به‌طور نسبی از نظر اجتماعی از کنترل خارج شده‌اند. این نظریه‌پردازان بر وابسته کردن جوانان به نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده و مدرسه تأکید می‌ورزند. با توجه به این نظریه می‌توان گفت، نوجوانان را می‌توان توسط عوامل جامعه‌پذیری از جمله خانواده، مدرسه، گروه همسالان و ... با جامعه هم‌نوا کرد و آنها را تحت کنترل قرار داد. بنابراین، این نظریات (آنومی و ساختار خانواده، یادگیری اجتماعی و همنشینی افتراقی)، تأثیر متغیرهای جامعه‌پذیری و نظارت والدین را بر رفتارهای خشونت‌آمیز تبیین می‌کند.

علاوه بر آنچه در بالا آمد، نظریه‌ی فشار بر آن است که عمدتاً رفتار انحرافی در میان افراد طبقه‌ی پایین و محروم جامعه، به علت فشارهای اقتصادی و اجتماعی و نابرابری‌های موجود در جامعه اتفاق می‌افتد. به اعتقاد آنها اعضاء طبقه‌ی محروم جامعه در حوزه‌های فقیرنشین و حاشیه‌ی شهرها سکونت دارند و سطوح زندگی آن‌ها از نظر مسکن، تغذیه، آموزش، بهداشت، سواد، شغل و به‌طور کلی پایگاه اقتصادی - اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد. بنابراین دانش‌آموزان این طبقه در رسیدن به اهداف خود احساس ناکامی و ناتوانی می‌کنند، در نتیجه تجربه‌ی چنین محرومیتی باعث می‌شود جوانان جهت تأمین نیازهای روانی خود، دست به رفتارهای انحرافی بزنند. بر اساس این نظریه می‌توان رابطه‌ی متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی را با رفتارهای خشونت‌طلبانه تبیین نمود. در نهایت از طریق نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی به تبیین متغیر نظارت اجتماعی خواهیم پرداخت.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین جنسیت دانش‌آموزان با میزان گرایش آنان به خشونت کلامی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و میزان گرایش آنان به خشونت کلامی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان و میزان گرایش آنان به خشونت کلامی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان نظارت والدین دانش‌آموزان و میزان گرایش آنان به خشونت کلامی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش پیمایش است. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش پیمایشی استفاده از پرسشنامه و در بخش اسنادی، فیش‌برداری از منابع و استفاده از اینترنت است. جامعه‌ی آماری این بررسی، کلیه‌ی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر می‌باشد که هر

کدام از آنان به عنوان یک واحد آماری در نظر گرفته شدند. بر اساس جدول حجم برآورد نمونه، لین (۱۹۷۶)، حجم نمونه با لحاظ پارامتر ۵۰ درصد، خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۳۸۴ نفر برآورد گردید. البته جهت اطمینان بیشتر نتایج پژوهش، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

شیوه‌ی نمونه‌گیری برای دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه با توجه به ناهمگنی جمعیت شهر بوشهر، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. پرسشنامه‌ی پژوهش پس از طراحی جهت اعتبار صوری^۱ در اختیار متخصصان و کارشناسان دانشگاهی قرار گرفت. اظهار نظر این افراد در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد. برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ^۲ استفاده به عمل آمده است. آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرهای در جدول زیر آورده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به وسیله‌ی نرم‌افزار SPSS انجام شد.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
فرایند جامعه‌پذیری	٪۸۱
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	٪۷۲
میزان نظارت والدین	٪۷۹

تعریف متغیرهای پژوهش

خشونت: خشونت رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه‌ی آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

خشونت کلامی: از انواع رایج خشونت است که شامل طیف وسیعی از رفتارها از جمله: تهدید کلامی، تهمت، سرزنش، تضعیف و عیب‌جویی است.

^۱ face validity

^۲ Cronbach's Alpha

عوامل جامعه‌پذیری: عمدتاً به عوامل اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر بزهکاری پرداخته و از میان این عوامل، کارگزاران جامعه‌پذیری جوانان نظیر خانواده، مدرسه، گروه همسالان و ... را بیشتر مورد توجه قرار داده است (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

خانواده: از ارکان مهم شکل‌گیری رفتار و نگرش دانش‌آموز است. عوامل مرتبط با خانواده در این پژوهش عبارتند از:

۱- پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده: جایگاه و پرستیژ خانواده از نظر شرایط اجتماعی - اقتصادی در جامعه، که به وسیله‌ی شاخص‌هایی مانند: سطح درآمد، میزان تحصیلات و شغل والدین، در سطح فاصله‌ای بررسی شد.

۲- همدلی اعضای خانواده: این که رابطه بین اعضای خانواده اعم از والدین و فرزندان، چقدر با همدلی همراه است، متغیری که در سطح فاصله‌ای بررسی شد.

۳- گسستگی خانواده: عدم حضور یکی یا هر دوی والدین در جمع خانواده (طلاق، مرگ و مسافرت والدین) در سطح اسمی مورد سنجش قرار گرفت.

۴- نابسامانی خانواده: این متغیر اختلاف نظر، تنش و بحث و جدل بیش از حد بین اعضای خانواده را نشان می‌دهد که با کنش‌ها و اختلالات رفتاری نظیر غیر منطقی بودن، دعوا، کشمکش و تعارض بین اعضای خانواده مشخص شد.

- حس تعلق به مدرسه: تعلق خاطر دانش‌آموزان نسبت به مدرسه، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی جامعه‌پذیری افراد، در این پژوهش در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

- گروه همسالان: گروهی همسن و سال که اغلب از یک جنس هستند و با یکدیگر یک جرگه‌ی اجتماعی تشکیل داده‌اند که فرد با عضویت در آن در کنش متقابل با دیگر اعضای گروه قرار گرفته و با ایفای نقش خود در گروه، از حمایت گروهی برخوردارند. دو متغیر (فاصله‌ای) وابسته به دوستان و تعداد دوستان بزهکار مربوط به گروه همسالان هستند.

- نظارت والدین: منظور میزان کنترلی است که در خانه توسط والدین بر رفتار و اعمال فرد اعمال می‌شود و در سطح فاصله‌ای سنجیده شد.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بطور کلی، ۲۰/۲ درصد از پاسخگویان گرایش به خشونت کلامی بالا، ۶۵/۳ درصد از آنها گرایش به خشونت کلامی متوسط و ۱۴/۵ درصد از آنها گرایش به خشونت کلامی پایین دارند.

جدول ۲: توزیع دانش‌آموزان بر حسب میزان گرایش به خشونت کلامی

درصد	تعداد	میزان گرایش دانش‌آموزان به خشونت کلامی
۱۴/۵٪	۵۵	گرایش پایین
۶۵/۳٪	۲۷۰	گرایش متوسط
۲۰/۲٪	۷۵	گرایش بالا
	۴۰۰	تعداد کل

فرضیه‌ی اول: بین جنسیت پاسخگویان با میزان گرایش آن‌ها به خشونت کلامی رابطه وجود دارد.

بررسی آماری نشان می‌دهد میزان گرایش به خشونت کلامی دختران (برابر با ۱۵/۲۰) با پسران (برابر با ۱۷/۴۰) چندان متفاوت نیست. یافته‌های بدست آمده حاکی از آن است که آماره‌ی t برابر با ۱/۲ و سطح معناداری حاصل برابر با ۰/۰۹۴ می‌باشد. این فرضیه، از لحاظ آماری تأیید نمی‌گردد.

جدول ۳: نتایج آزمون t مستقل پیرامون میزان گرایش به خشونت کلامی بر حسب جنسیت

خشونت کلامی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین	آزمون آماری
دختر	۱۷۹	۱۵/۲۰	۳/۸۰	۰/۴۴	$T=۱/۲$
پسر	۲۲۱	۱۷/۴۰	۵/۲۵	۰/۴۸	$Sig=۰/۰۹۴$

فرضیه‌ی دوم: بین فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و خشونت کلامی رابطه وجود دارد.

از آنجایی که متغیر فرایند جامعه‌پذیری در این پژوهش تحت تأثیر شاخص‌هایی از قبیل خانواده، دوستان، همسالان و مدرسه قرار دارد، بنابراین به شکل جداگانه تأثیر هر یک از این متغیرها بر گرایش به خشونت کلامی مورد آزمون قرار گرفت، که نتایج هر یک از این آزمون‌ها در جداول جداگانه ارائه شده است.

• **جامعه‌پذیری در خانواده:**

نتایج به‌دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر اجتماعی شدن در خانواده با خشونت کلامی، رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر $0/37-$ و سطح معناداری آن $0/000$ می‌باشد. از آنجایی که این ضریب منفی می‌باشد، نشانگر این است که بین این دو متغیر رابطه‌ی معکوس وجود دارد به عبارت دیگر، هر چه فرد در خانواده به گونه‌ای مناسب‌تر اجتماعی شود، کمتر به سمت خشونت کلامی گرایش پیدا می‌کند.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین جامعه‌پذیری در خانواده و خشونت کلامی

آزمون آماری	خشونت کلامی / جامعه‌پذیری پاسخگویان در خانواده
ضریب همبستگی پیرسون (R)	$-0/37$
سطح معناداری	$0/000$
تعداد پاسخگویان	۴۰۰

(با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد)

• **میزان گرایش به دوستان و همسالان:**

نتایج به‌دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر گرایش به دوستان با خشونت کلامی، رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر $0/278-$ و سطح معناداری آن $0/000$ می‌باشد. از آنجایی که این ضریب منفی می‌باشد، نشانگر این است که بین این دو متغیر رابطه‌ی معکوس وجود دارد به عبارت دیگر، هر چه

فرد گرایش بیشتری به سمت دوستان داشته باشد، از گرایش وی به خشونت کلامی کاسته می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین میزان گرایش به دوستان و خشونت کلامی

خشونت کلامی / گرایش پاسخگویان به دوستان	آزمون آماری
-۰/۲۷۸	ضریب همبستگی پیرسون (R)
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۴۰۰	تعداد پاسخگویان

(با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد)

● **جامعه‌پذیری در مدرسه:**

نتایج به‌دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر جامعه‌پذیری در مدرسه با خشونت کلامی، رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. در این باره، ضریب همبستگی برابر $-۰/۳۸۴$ و سطح معناداری آن $۰/۰۰۰$ می‌باشد. از آنجایی که این ضریب منفی می‌باشد، نشانگر این است که بین این دو متغیر رابطه‌ی معکوسی وجود دارد به عبارت دیگر، هرچه فرد در مدرسه به گونه‌ای مناسب‌تر اجتماعی شود، کمتر به سمت خشونت کلامی گرایش پیدا می‌کند.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین جامعه‌پذیری در مدرسه و خشونت کلامی

خشونت کلامی / جامعه‌پذیری پاسخگویان در مدرسه	آزمون آماری
-۰/۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون (R)
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۹۹	تعداد پاسخگویان

(با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد)

در مجموع نتیجه‌ی آزمون همبستگی پیرسون بین فرایند جامعه‌پذیری و خشونت کلامی رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی در این آزمون برابر با $-۰/۴۵$ و

سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرایند جامعه‌پذیری و خشونت کلامی با یکدیگر رابطه‌ی معکوس دارند، به گونه‌ای که هر چه فرایند جامعه‌پذیری فرد به نحو مطلوب‌تری صورت گیرد، از گرایش او به خشونت کلامی کاسته می‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فرایند جامعه‌پذیری و خشونت کلامی

خشونت کلامی / فرایند جامعه‌پذیری	آزمون آماری
-۰/۴۵	ضریب پیرسون (R)
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۴۰۰	تعداد پاسخگویان

(با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد)

فرضیه‌ی سوم: بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و خشونت کلامی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و خشونت کلامی، رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. در این باره، ضریب همبستگی برابر ۰/۶۱۲- و سطح معناداری آن ۰/۰۳ می‌باشد. از آنجایی که این ضریب منفی می‌باشد، نشانگر این است که بین این دو متغیر رابطه‌ی معکوسی وجود دارد. این فرضیه، از لحاظ آماری تأیید می‌گردد.

جدول ۸: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و خشونت کلامی

خشونت کلامی / پایگاه اجتماعی - اقتصادی	آزمون آماری
-۰/۶۱۲	ضریب همبستگی پیرسون (R)
۰/۰۳	سطح معناداری
۳۹۹	تعداد پاسخگویان

(با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد)

فرضیه‌ی چهارم: بین میزان نظارت والدین بر دانش‌آموزان و خشونت کلامی رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر میزان نظارت والدین با خشونت کلامی، رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر $-0/36$ و سطح معناداری آن $0/000$ می‌باشد. از آنجایی که این ضریب منفی می‌باشد، نشانگر این است که بین این دو رابطه‌ی معکوس وجود دارد، به عبارت دیگر، هر چه فرد در خانواده تحت نظارت بیشتری قرار داشته باشد، از گرایش او به خشونت کلامی کاسته می‌شود.

جدول ۹: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین نظارت والدین بر دانش‌آموزان و خشونت کلامی

آزمون آماری	خشونت کلامی / نظارت والدین
ضریب همبستگی پیرسون (R)	$-0/36$
سطح معناداری	$0/000$
تعداد پاسخگویان	۴۰۰

(با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد)

تحلیل رگرسیون چند متغیره

برای تشخیص نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است. با توجه به مقادیر جدول زیر مشاهده می‌شود که مقدار همه‌ی متغیرها در سطح $0/05$ معنادار نمی‌باشد؛ بنابراین فرض نرمال بودن متغیرها رعایت شده، سپس به تحلیل متغیرها می‌پردازیم.

جدول ۱۰: مقادیر متغیرهای سه‌گانه‌ی پژوهش در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

متغیرها	مقدار کولموگروف - اسمیرنوف	Sig
جامعه‌پذیری	$0/43$	$0/159$
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	$0/52$	$0/321$
نظارت والدین	$0/38$	$0/180$

پس از بررسی نرمال بودن متغیرها به تحلیل داده‌ها بر اساس شاخص رگرسیون چند متغیره پرداخته می‌شود. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که از میان متغیرهای میزان جامعه‌پذیری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، نظارت، وارد معادله شده‌اند. نتایج رگرسیون در جداول زیر آمده است.

جدول ۱۱: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره‌ی متغیرهای اساسی مؤثر بر خشونت کلامی دانش‌آموزان (Stepwise)

مراحل	متغیرهای پیش‌بینی کننده	R	R ^۲	B	Beta	T	Sig.T	Vif	Tolerance
اول	جامعه‌پذیری	۰/۳۹۲	۰/۲۳۴	-۲/۵۱	-۰/۲۲	-۴/۳۵	۰/۰۰۰	۲/۶۸	۰/۲۳
دوم	جامعه‌پذیری	۰/۴۳۳	۰/۲۵۴	۲/۰۱	۰/۲۳	۵/۰۴	۰/۰۰۰	۳/۲۴	۰/۱۹
	پایگاه اجتماعی - اقتصادی								
سوم	جامعه‌پذیری	۰/۴۷۷	۰/۲۶۵	-۰/۸۱	-۰/۱۲	-۲/۳۶	۰/۰۱۸	۲/۹۰	۰/۱۸
	پایگاه اجتماعی - اقتصادی								
	نظارت والدین								

بر اساس جدول ۱۱ اولین متغیر پیش‌بینی کننده‌ی خشونت کلامی که وارد معادله‌ی رگرسیون شده است، متغیر جامعه‌پذیری است که حدود ۲۳ درصد از واریانس رفتار خشونت‌آمیز را تبیین می‌کند. ضریب بتای این متغیر (-۰/۲۲) می‌باشد که بیانگر رابطه‌ی معکوس بین متغیر جامعه‌پذیری و گرایش به خشونت کلامی است. به‌عبارت دیگر، هر چه جامعه‌پذیری بهتر باشد، گرایش به خشونت کلامی کاهش می‌یابد.

در مرحله‌ی دوم، متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی وارد معادله‌ی رگرسیونی شد و ۲۵ درصد از متغیر وابسته تبیین می‌شود. با ورود این متغیر، حدود ۲ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده شد. ضریب بتای این متغیر (۰/۲۳) می‌باشد که بیانگر رابطه‌ی

مستقیم بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و گرایش به خشونت کلامی است. به عبارت دیگر، با افزایش پایگاه اجتماعی - اقتصادی، گرایش به خشونت کلامی افزایش می‌یابد. در مرحله‌ی سوم، متغیر نظارت والدین وارد معادله‌ی رگرسیونی می‌شود و ۲۶ درصد از متغیر وابسته تبیین می‌شود. با ورود این متغیر، حدود ۱ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده می‌شود. ضریب بتای این متغیر (۰/۱۲-) می‌باشد که بیانگر رابطه‌ی معکوس بین متغیر نظارت والدین و گرایش به خشونت کلامی است. به عبارت دیگر، با افزایش نظارت والدین، گرایش به خشونت کلامی کاهش می‌یابد. در مجموع، این سه متغیر ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند ($R^2 = 0/281$).

بحث و نتیجه‌گیری

برای شناخت ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها در هر جامعه‌ای، نخست باید به عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، پرورشی و اقتصادی آن جامعه توجه کرد و دید این عوامل در پیدایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها چه نقش و جایگاهی دارند. علاوه بر این باید دید عامل انسانی در به وجود آوردن ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها تا چه اندازه مهم است. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال "بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر خشونت کلامی میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر"، با بهره‌گیری از مبانی نظری رفتار نابهنجار و استفاده از اطلاعات تجربی به‌دست آمده و ارائه‌ی بحثی تحلیلی درباره‌ی زمینه‌های مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به خشونت کلامی بود. از همین‌رو بر آن شدیم تا به بررسی چگونگی تأثیر سه متغیر جامعه‌پذیری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نظارت والدین، بپردازیم. نتایج پژوهش نشان داد که خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، هسته‌ی اصلی جامعه بوده و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری است. بدون شک هیچ‌یک از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنان‌چه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. برای نمونه دانش‌آموزی که کودکی یا نوجوانی خود را نزد کسی غیر از پدر و مادر خود گذرانده و در خانواده‌ی او همواره درگیری و بحث بوده است، آسیب‌پذیرتر بوده و معمولاً امکان ناسازگاری و گرایش

او به انحراف بیشتر است. نظریه‌ی آنومی به تأیید چنین متغیری می‌پردازد. علاوه بر خانواده، عامل دیگر جامعه‌پذیری فرد، مدرسه است، اگر دانش‌آموزی در مدرسه با ارزش‌های جامعه و ارزش‌هایی که در خانواده به‌عنوان ارزش‌های مورد قبول جامعه فرا گرفته است، هم‌نوا شود و این ارزش‌ها را درونی کند، امکان گرایش او به رفتارهای انحرافی کاسته می‌شود. همچنان که کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، وقت بیشتری را در معاشرت با همسالان خود می‌گذرانند و تأثیرپذیری آن‌ها از کسانی که از لحاظ سنی و خصوصیات اجتماعی دیگر با آن‌ها برابر هستند، بیشتر می‌شود. هم‌زمان با افزایش تأثیر گروه همسالان، تأثیر والدین کاهش می‌یابد. تأثیر گروه همسالان بر روی فرد ممکن است موجب شود تا برای پذیرش فرد در گروه همسال خود، ارزش‌هایی را بپذیرد که از نظر جامعه مورد قبول نباشد. نظریه‌ی همنشینی افتراقی ساترلند و نظریه‌ی یادگیری اجتماعی از جمله نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی است که تأثیر اجتماع و بالاخص تأثیر همسالان را در گرایش به انحراف بلامنازع می‌داند.

بنابراین فرایند جامعه‌پذیری نقش بسزایی در گرایش افراد به خشونت کلامی دارد. افرادی که در خانواده‌هایی با ساخت گسسته زندگی می‌کنند، و هیچ‌گونه کنترلی از طرف خانواده بر معاشرت آن‌ها وجود ندارد برای جبران کمبودهای ناشی از این عوامل و برای ارضای نیازهای خود دست به رفتار خشونت‌آمیز می‌زنند.

از دیگر نتایج پژوهش تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده نظیر شغل، درآمد، تحصیلات والدین و ... بر اعمال خشونت‌طلبانه‌ی دانش‌آموزان است، که مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان انحرافات بوده است. بر اساس نظریه‌ی فشار، افراد طبقات پایین جامعه به علت پایین بودن سطح زندگی و فشارهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، احساس محرومیت بیشتری می‌کنند و به دلیل این‌که امکانات رسیدگی به فرزندان خود را فراهم نمی‌بینند، ناچار آن‌ها را به حال خود رها کرده و دانش‌آموزان از طرق دیگر برای ارضای نیازهای روانی و اجتماعی خود استفاده می‌کنند که این راه‌ها از طرف جامعه مورد پذیرش قرار نگرفته است و از نظر جامعه جرم محسوب می‌شود؛ بنابراین هر چه فرد در جامعه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری داشته باشد، احتمال این‌که به اعمال انحرافی و از آن

جمله اعمال خشونت طلبانه روی بیاورد، بیشتر می‌شود. در این بررسی نیز این فرضیه به اثبات رسیده است؛ به گونه‌ای که با افزایش پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموزان از گرایش آن‌ها به خشونت کلامی کاسته می‌شود. پژوهش علمی و همکاران (۱۳۸۷)، نیز به اثبات رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و گرایش به خشونت پرداخته است.

از دیگر نتایج این پژوهش میزان نظارت والدین و تأثیر آن بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان بود. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که وابستگی نزدیک‌تری به پدر و مادر خود دارند، احتمال کمتری دارد که اعمال پرخاشگرانه و بزهکارانه انجام دهند و این احتمال نیز وجود دارد که دانش‌آموزان منحرف نمره‌ی پایین‌تری بیاورند و به مدرسه علاقه‌ی کمتری دارند. بر اساس رویکرد کنترل اجتماعی و بنا بر نظر هیرشی، بین تعلق خاطر افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول و زندگی روزمره‌ی هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن آن‌ها در فعالیت‌های مختلف زندگی و اعتقاد به نظام هنجاری جامعه از یک‌سو و هم‌نوایی آنان با هنجارهای اجتماعی از سوی دیگر رابطه‌ی مستقیم و با احتمال کج‌رفتاری آنان رابطه‌ی معکوس وجود دارد.

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان: "بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر" می‌باشد، که در دانشگاه پیام نور انجام شده است.

فهرست منابع:

- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- بازرگان، زهرا و صادقی، ناهید و غلامعلی، مسعود (۱۳۸۲). "بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران"، مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و سوم، شماره‌ی ۱.
- بنی‌اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). بررسی انحرافات اجتماعی ناشی از بیکاری در استان سمنان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجروی. قم: پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- کریمی، فاطمه (۱۳۹۰). "بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدید آورنده‌ی آن از نظر دانش‌آموزان و معلمان"، پژوهشنامه‌ی حقوق، سال دوم.
- گود، ویلیام (۱۳۵۲). جامعه و خانواده، ترجمه‌ی ویدا ناصحی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- عاشوری، علی (۱۳۸۲). آسیب‌ها و جامعه‌ی امروزی، تهران: انتشارات ناقوس.
- علمی، محمود؛ تیغزن، خدیجه و باقری، ربابه (۱۳۸۷). "تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر عجب‌شیر)"، مجموعه مقالات دومین همایش جامعه‌ی ایمن شهر تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم، چاپ اول، انتشارات آن.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران: جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: نشر نوبل.

Jina, S. Yoon, J. N. Hughes, T. A. Cavell, B. Thompson (2000). "Social cognitive differences between aggressive-rejected

and aggressive-non rejected children”, Journal of school psychology. 38(6):551-570.

Hajet, M. R. (1994). “Development pathways to violence: A psychodynamique paradigm”, Peace Psychology Review 1(6); 176-195.

Lorenz, K. (1993). On aggression, copyright (e) by Dr.G. Bosotha schoelar Verlag, Vienna.

Lin N. (1976). “Foundation of social research”, 1st Ed. New York: McGraw-Hill Book Company. 446-458.